

میزگرد

تعهد حرفه به منافع عمومی؛ از حرف تا عمل

در مفهوم وسیع واژه «عموم» گسترده‌ترین دامنه جامعه را دربرمی‌گیرد؛ برای مثال، افراد و گروه‌هایی که متقاضی یا عرضه‌کننده کالا و خدماتند و یا کسانی که خواهان بهبود و پایداری استانداردهای زندگی و کیفیت محیطی‌اند.

در مفهوم وسیع واژه «منافع» نیز همه آن چیزهایی را دربرمی‌گیرد که افراد و جامعه برایش ارزش قائلند؛ مانند حق مالکیت، آزادی اقتصادی، و پاسخ‌خواهی از مدیران. حرفه حسابداری با منافع عمومی سروکار نزدیک دارد و نقش مهمی در تحقق منافع عمومی و حفظ آن ایفا می‌کند؛ از جمله و مهمترین آنها:

- تهیه و ارائه گزارشهای مالی معتبر و کامل برای سهامداران، مالیات‌دهندگان و همه کسانی که مستقیم یا غیرمستقیم از گزارشگری مالی سازمانها در همه بخشهای اقتصادی تأثیر می‌پذیرند، و

- برقراری ارتباط مؤثر و صادقانه با اعضای که مستقیم و غیرمستقیم با فرایندهای راهبری بنگاه و پاسخگویی مرتبط با آن درگیرند (مانند هیئت‌مدیره، مدیریت و...).

مراجع حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی برای اینکه در مقام نگاهبان منافع عمومی قلمداد شوند، چه وظایفی دارند؟

- الزام حسابداران و حسابرسان به رعایت و به‌کارگیری رفتار اخلاقی و قضاوت حرفه‌ای با استانداردهای بالا،

- همکاری با مراجع نظارتی و دولت برای استقرار استانداردهای حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی با کیفیت بالا،

- مشخص ساختن الزامات آموزشی و صلاحیت‌های حسابداران حرفه‌ای،

- گفت‌وگو با سازنده با دولت، مراجع نظارتی، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های مالی و اقتصادی برای انتقال انتظارات حرفه‌ای، و

- ایجاد اطمینان از کارکرد سازوکارهای انضباطی برای برخورد با موضوعهای غیراخلاقی، نقص قانون، یا رعایت نکردن مقررات حرفه‌ای از سوی اعضای حرفه.

در یکی دو دهه اخیر حرفه حسابداری و حسابرسی ایران گامهای بلندی در مسیر ایفای مسئولیت خود برای نگهداری از منافع عمومی برداشته‌اند، اما آیا این کوششها به‌ویژه در قیاس با پیشرفتهای جهانی کفایت داشته است؟ پاسخ به پرسشهای زیر تصویر روشنتری در برابر ما قرار می‌دهد:

- آیا سازوکارهای مراجع مستقل حرفه‌ای در ایجاد اطمینان از بالا بودن کیفیت رفتار اخلاقی و قضاوت حرفه‌ای اعضا مؤثر بوده است؟

- آیا مراجع مستقل حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی ایران در معرفی خود به جامعه به‌عنوان حافظ منافع عمومی موفق عمل کرده‌اند؟

- ارتباط مراجع مستقل حرفه‌ای حسابداری با دانشگاه‌ها برای ارتقای آموزش حسابداری چگونه است؟

- سهم مراجع مستقل حرفه‌ای در تحقیق و پژوهش برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی در چه حد است؟

مجله حسابرس موضوع «تعهد حرفه به منافع عمومی؛ از حرف تا عمل» را موضوع بحث میزگردی با حضور صاحب‌نظران حرفه قرار داد تا از این طریق به طرح مسائل مرتبط با موضوع بپردازد. پرسشهایی که در این میزگرد مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت از این قرار بود:

۱- حرفه حسابداری در چه زمینه‌هایی می‌تواند در تأمین منافع عمومی نقش و مشارکت داشته باشد؟

۲- نقش حسابرسی و خدمات اطمینان‌بخشی در حفظ و تأمین منافع عمومی چیست؟

۳- بروز بحرانهای مالی در جهان و بروز رسواییهای مالی در برخی شرکتها تا چه اندازه به عدم ایفای تعهد حرفه به منافع عمومی مربوط است؟

۴- جامعه حسابداران رسمی ایران چگونه می‌تواند بر انجام تعهد حرفه به منافع عمومی نظارت کند؟

۵- آیا سازوکارهای مراجع مستقل حرفه‌ای در ایجاد اطمینان از بالا بودن کیفیت کار، رفتار حرفه‌ای و قضاوت حرفه‌ای اعضا مؤثر بوده است؟

۶- آیا مراجع مستقل حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی ایران در معرفی خود به جامعه به‌عنوان حافظ منافع عمومی موفق عمل کرده است؟

۷- میزان مشارکت مراجع مستقل حرفه‌ای در توسعه استانداردهای حسابداری و حسابرسی و اخلاقی در چه سطحی بوده است؟

۸- ارتباط مراجع مستقل حرفه‌ای حسابداری با دانشگاهها برای ارتقای آموزش حسابداری چگونه است؟

۹- سهم مراجع مستقل حرفه‌ای در تحقیق و پژوهش برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی در چه حد است؟

شرکت‌کنندگان در این میزگرد به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از:

منوچهر زندی
حسابدار رسمی



فرشاد اسکندریاتی
عضو هیئت‌عامل سازمان حسابرسی



دکتر احمد عزیزی
مشاور ارشد رئیس کل بانک مرکزی



محمد جواد صفار
عضو شورای مدیریت مجله حسابرسی



ناصر محامی
عضو هیئت‌مدیره جامعه حسابداران رسمی ایران



✓ صفار

چه کسی یا چه کسانی حافظ منافع عمومی هستند؟

✓ محامی

منفعت عمومی به‌طور طبیعی موضوعی نیست که در حسابداری تعریف شود. بیشتر اصطلاحی حقوقی، اقتصادی و جامعه‌شناسی است و پیچیدگی زیادی دارد. مسئله منفعت به منافع گروهی اشاره دارد از گروهی کوچک تا کل جامعه و هر چقدر که سطحش عمومی‌تر می‌شود لایه منفعت یا محدوده منفعت محدودتر می‌شود؛ چرا که هر چقدر بخواهیم محدوده منافع را بزرگتر کنیم، گروه‌های اجتماعی کمتری را می‌توانیم در آن قرار بدهیم. اینکه چه کسی حافظ منافع عمومی است همانند تعریف منافع عمومی دشوار و مناقشه‌برانگیز است. اینجا عرف‌ها، سنت‌ها، قوانین و ارزش‌ها مؤثر هستند. آنچه که به حوزه حسابداری و حسابرسی برمی‌گردد این است که به‌طور موظف کسی برایش حفاظت از منافع عمومی، آن‌گونه که خودش می‌خواهد تعریف کند، در نظر نگرفته است. ولی به‌هرحال حسابداری مستقل یا حسابرسی خودبه‌خود با منافع عمومی سروکار دارد و نمی‌تواند حافظ منافع عمومی نباشد.

✓ صفار

ابتدا به شما خوشامد می‌گویم و از حضور شما برای شرکت در این میزگرد تشکر می‌کنم. موضوع گفتگوی ما تعهد حرفه حسابداری به منافع عمومی است. منافع عمومی چیست و حرفه حسابداری ایران چه وظیفه و مسئولیتی در قبال آن دارد و تا چه اندازه آن را تحقق بخشیده است؟ ابتدا درباره منافع عمومی و تعریف آن صحبت کنیم.

✓ دکتر عزیزی

به ذهن می‌رسد که مفاهیم منافع عمومی (Public Interest)، مصالح عمومی (Public good) و کالای عمومی (Public Goods) به معنی اقتصادی آن، همپوشانی‌های خیلی قوی با هم دارند و اگر بخواهیم در یک مفهوم خیلی کلان اینها را بررسی کنیم، معانی بسیار زیادی زیر این عنوان قرار می‌گیرد. در اینجا به معانی کمتر مناقشه‌پذیر آن اشاره می‌کنم؛ مانند حفاظت از محیط زیست، یا رفاه عمومی و مفاهیمی مثل حقوق بشر، محیط زیست و حتی حقوق حیوانات. بسیاری از این مفاهیم در قلمرو وسیع «منافع عمومی» قرار می‌گیرد.

دکتر عزیزی:

وقتی جامعه‌ای دچار

التهابات و نوسانهای منفی

می‌شود

باید نسبت به بنیادهایی از قبیل

تولید اطلاعات و مسائلی مثل

اطمینان بخشی که می‌تواند

مبنای قضاوت قرار گیرد

نگرانی پیدا کرد



و به‌خصوص در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم در حوزه‌های غیرمالی مانند حقوق بشر، محیط‌زیست و مانند اینها برمی‌گردد و به حوزه‌های بسیار بسیار کلان‌تر اشاره می‌کند.

باید ببینیم که در ساختار جامعه انسانی، در سطوح و جاهایی که ملت - دولت تعریف شده، بنیان قراردادهای اجتماعی چه چیزهایی است. در آن بنیان‌ها است که معلوم می‌شود چه کسی از منافع عمومی محافظت می‌کند. برای مثال به‌طور عمده باید گفت بیشترین نقش در این زمینه را قوه قضاییه و دستگاه‌های قضایی دارند. باید ببینیم که ساختارهای قراردادهای اجتماعی و قوانین در سطح ملی و بعد در سطح بین‌المللی چگونه است. آنها تعیین‌کننده‌اند که چه کسی تضمین می‌کند و چه شخصی یا گروه یا نهادی تا چه حدودی برای تضمین، مسئولیت دارد.

✓ زندگی

همان‌طوری که دوستان اشاره کردند تعریف منافع عمومی به‌طور عام دارای دامنه وسیعی است. به‌نظر من با توجه به اینکه این میزگرد از سوی مسئولین محترم مجله حسابرس برگزار گردیده است بنابراین به‌نظر می‌رسد برای نتیجه‌گیری بهتر وقتی درباره منافع عمومی صحبت می‌کنیم باید روشن کنیم در چه سطحی و در چه ساختاری می‌خواهیم به آن بپردازیم. چنانچه بررسی این موضوع را در سطح جامعه یک کشور مدنظر قرار داشته باشیم تمام کسانی که در حرفه‌ای مشغول به‌کار هستند که به‌نحوی با منافع عمومی سروکار دارند، دارای مسئولیت هستند اما در حرفه حسابداری موضوع منافع عمومی تا به آن اندازه دارای اهمیت است که هیئت بین‌المللی تدوین استانداردهای حرفه‌ای برای حسابداران، در اولین پاراگراف آیین‌رفتار حرفه‌ای برای حسابداران حرفه‌ای، یکی از ویژگیهای بارز حرفه حسابداری را پذیرش مسئولیت حفظ منافع عمومی تعریف کرده است. بنابراین به‌طور خلاصه نقش حسابداران حرفه‌ای برای پذیرش مسئولیت حفظ منافع عمومی در گرو رعایت اخلاق به‌طور عام و اخلاق حرفه‌ای در معنای خاص آن است که هم‌اکنون نیز این موضوع در چارچوب آیین‌رفتار حرفه‌ای برای حسابداران رسمی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران لازم‌الاجراست. بنابراین ایفای مسئولیت حسابداران حرفه‌ای در حفظ منافع عمومی به‌شدت و تنها با رعایت آیین اخلاق و رفتار حرفه‌ای میسر خواهد بود.

✓ صفار

به‌نظر می‌رسد هر جا که منافع عمومی مطرح باشد قانونگذار ورود پیدا می‌کند و هرچه منافع گسترده‌تر باشد قانون بیشتر دخالت می‌کند؛ برای مثال ورود قانونگذار در بحث شرکتهای سهامی خاص و عام و تفاوت‌های این دو.

✓ محامی

وقتی جوامع بشری خیلی کوچک بود کسی نیازی به یادگیری حسابداری و حسابرسی نداشت. بزرگ‌تر شدن جوامع، پیچیده‌تر شدن مناسبات و تداخل منافع گروه‌های اجتماعی، حسابداری و حسابرسی را به‌وجود آورد. لذا حرفه حسابداری و حسابرسی در ذات خودش به‌عموم برمی‌گردد. طبعاً هر چیزی که به‌عموم برمی‌گردد در ذات خودش مسئله همپوشانی یا همراهی با منافع عمومی را پیدا می‌کند. حرفه حسابداری در عمل نمی‌تواند برخلاف منافع عمومی باشد و به‌خودی‌خود حافظ منافع عمومی است.

✓ دکتر عزیزی

رشته حسابداری به‌موضوع منافع عمومی یا غیرعمومی مربوط می‌شود؛ صددرصد. در ادبیات تئوریک و تخصصی حسابداری هم منافع عمومی آمده است. اگر بخواهیم به این پرسش پاسخ بدهیم که چه کسی مسئول است، باید از لایه آغازین شروع کنیم و پایین بیایم. موضوع منافع عمومی به‌خصوص در دنیای جدید

هستند خدمات خود را به جامعه استفاده‌کنندگان از این خدمات در دو بخش ارائه می‌دهند. یک بخش افرادی که در سطوح مدیریت که مسئولیت تهیه صورتهای مالی بنگاههای اقتصادی را بر عهده دارند و یک بخش هم افرادی که در حرفه حسابرسی مشغول به کار هستند. هر دو گروه به نوعی در حفظ منافع عمومی مشارکت دارند. گروه اول با تهیه اطلاعات مالی در چارچوب استانداردهای حسابداری و گروه دوم هم با ارائه گزارشهای اطمینان بخش به اطلاعات مالی مورد استفاده ذینفعان و استفاده‌کنندگان برای تصمیم‌گیریهای اقتصادی آنها. در وهله اول شاید چنین به نظر برسد که این تنها حساببران هستند که در زمینه حفظ منافع عمومی دارای مسئولیت بوده و نقش آنها در این زمینه باید بیشتر از نقشی باشد که حسابدارها در بنگاههای اقتصادی دارند. اعتقاد من این است با توجه به اینکه مسئولیت اصلی تهیه صورتهای مالی و هر نوع اطلاعات مالی با تهیه‌کنندگان آن از جمله هیئت‌مدیره شرکتها است براین اساس، این گروه نیز در این خصوص دارای مسئولیتهای خود هستند. به طوری که احکام که همان رهنمودها و درباره نحوه کاربرد هدفها و اصول است در آیین رفتار حرفه‌ای مورد عمل کنونی جامعه حسابداران رسمی باید به وسیله تمامی حسابداران رسمی رعایت شود؛ به ترتیب یک بخش آن به احکام لازم‌الاجرا توسط تمامی حسابداران رسمی، یک بخش آن به احکام لازم‌الاجرا برای حسابداران رسمی شاغل در حرفه حسابرسی و بخش آخر آن نیز به احکام قابل اجرا از سوی حسابداران رسمی غیرشاغل در حرفه حسابرسی می‌پردازد. این نشانه مسئولیت حسابداران شاغل را در بنگاهها که آنان هم به نحوی در این قضیه به طور مستقیم دخالت دارند، مشخص می‌کند. در نتیجه هر چه این گروه در راستای حفظ منافع عمومی صورتهای مالی که تهیه می‌کنند شفاف‌تر و درست‌تر باشند به طور طبیعی قابل اتکاتر خواهد بود و به همین دلیل این گروه از حسابداران حرفه‌ای نیز نقش بارزی در ایفای تعهد به حفظ منافع عمومی به عهده دارند.

✓ محامی

اگر به این موضوع از دیدگاه جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی نگاه کنیم، آثار اجتماعی کار حسابداران که به گزارشگری

✓ اسکندریاتی

منافع عمومی موضوعی فراگیر است. نمی‌توان هیچ فعالیت اجتماعی را برشمرد که با منافع عمومی مرتبط نباشد. هیچ فعالیت اجتماعی نیست که رسالتی برای انطباق با منافع عمومی نداشته باشد.

تصور من اینست که وقتی در مورد منافع عمومی صحبت می‌کنیم توجه به سه عامل دارای اهمیت است. توجه به سه مفهوم «مسئولیت اجتماعی»، «تعهد اجتماعی» و «انطباق‌پذیری اجتماعی». هر چند این مفاهیم به رغم تشابه معنایی، با هم مرزبندی مشخصی دارند. کسانی که تعیین یا ارتقای منافع عمومی را در هدف‌های خودشان تعریف می‌کنند، طبیعی است که باید به مسئولیتهای اجتماعی، انطباق‌پذیری اجتماعی و همچنین ارتقای خودشان فکر کنند. این مثلث سه‌گانه در خدمت هر حرفه‌ای است.

این مثلث در حقیقت نقش‌دهنده یا شکل‌دهنده این موضوع است که هر فعالیتی چگونه می‌تواند ضمن ارتقا و تقویت خود، رشد پیدا کند و اگر مسیر مناسبی را انتخاب نکرده است خودش را تثبیت نکند. در نقطه مقابل آن شاید هیچ فعالیتی را نتوان در اجتماع پیدا کرد که این رسالت را برای خودش تعریف کرده باشد که بی‌توجه به فعالیت‌های منافع عمومی باشد.

به نظر می‌رسد که تمام اینها اجزایی است که همیشه و در همه جا حضور دارند و بلکه همه آگاهی‌های بشر در خدمت این مجموعه است؛ چرا که ارتقای یکایک احاد اجتماعی باعث تغییر موقعیت منافع عمومی می‌شود. هیچ‌وقت در طول سال‌ها حرکت‌های اجتماعی نمی‌توانیم منافع ثابتی برای عموم پیدا بکنیم. متناسب با ترقی، رشد و تغییر فناوری‌هایی که در جامعه وجود دارد منافع عمومی هم بهبود پیدا می‌کند و تغییر می‌یابد.

✓ صفار

وارد بحث اصلی بشویم. با این فرض که حسابداری یکی از نگاهبانان منافع عمومی است، در چه زمینه‌هایی بیشتر می‌تواند در حفاظت منافع عمومی ایفای نقش بکند؟

✓ زندی

به‌طور معمول افرادی که در حرفه حسابداری مشغول به کار

حسب ضرورت پیشرفت و نوآوری داشته است. البته این موضوع را هم باید در نظر داشته باشیم که به دلیل تغییرات سریع تکنولوژی در این کشورها که اقتصاد آنها نیز متکی به بازار آزاد است به دلیل ایجاد تغییرات در روابط بازرگانی و تجاری آنها، حرفه حسابداری نیز ناگزیر به همراهی با این تغییرات بوده است. بدیهی است در کشورهایی با اقتصاد بسته و انحصاری، وقتی بخشی از فعالیتهای اقتصادی از چرخه معمول خارج و به صورت زیرزمینی و پنهان انجام می شود نباید انتظار داشته باشیم که حرفه حسابداری در این کشورها مانند دیگر کشورهای پیشرفته توسعه یابد.

✓ دکتر عزیزی

پاسخ را در دو دسته می شود طبقه بندی کرد؛ یکی تولید اطلاعات و یکی هم قضاوت. اطلاعات باید صفات و ممیزه ها و مشخصه هایی داشته باشد و بعد بر اساس این اطلاعات است که شخص می تواند تصمیم گیری، نتیجه گیری و قضاوت کند. چیزی که ما از آن خیلی کم یاد می کنیم، حسابداری ملی است. در مفهومی وسیع تر بدون ضبط و ثبت و اندازه گیری و تولید اطلاعات حسابداری، تقریباً هیچ کاری در دنیا و در جامعه نمی شود انجام داد.

حسابداری در همه سطوح و برای همه نظام ها ضروری است، البته کیفیت خیلی متفاوت است. وقتی کیفیت مطرح می شود حرفه حسابداری می تواند یک پروژه دموکراتیک هم تلقی شود. در بعد قضاوت، مسئله پاسخگویی، اعتماد عمومی، اطمینان بخشی، داوری و ضمانت اجرا مطرح است. قسمت عمده ای از ضمانت اجرا با قوه قضاییه است. قوه قضاییه بدون اطلاعات مناسب چه کاری می تواند انجام دهد؟ و به همین دلیل است که وقتی جامعه ای دچار التهابات و نوسانهای منفی می شود باید نسبت به بنیادهایی از قبیل تولید اطلاعات و مسائلی مثل اطمینان بخشی که می تواند مبنای قضاوت قرار گیرد، نگرانی پیدا کرد که اگر آنها سریع و شفاف عمل کنند، می توان جلوی بسیاری از فسادها را گرفت.

✓ اسکندریاتی

امروز در شرایطی زندگی می کنیم که نمی توان تجسم کرد سامانه اقتصادی بدون استفاده از نظام حسابداری حیات

مالی ختم می شود این است که قابلیت اتکا به صورتهای مالی را زیاد می کند؛ یعنی در سطح کلان اقتصادی ریسک تصمیم های اقتصادی را پایین می آورد و موجب سهولت در تصمیم گیری های اقتصادی می شود. از اینرو می توانیم حسابداری و حسابرسی را به طور کلی در زمینه های مثل اقتصاد رفاه طبقه بندی کنیم.

از طرف دیگر یکی از دغدغه های جوامع مدنی، مسئله نظارت سیستماتیک و مؤثر بر فعالیت های اقتصادی اعم از بخش عمومی، بخش دولتی و بخش خصوصی است. حرفه حسابرسی به طور سیستماتیک می تواند این نظارت را فراهم کند. از اینرو به نظر می آید توسعه حرفه حسابرسی بخشی از پروژه جامعه مدنی و پروژه دموکراسی باشد. وقتی به تاریخ حسابرسی نگاه می کنید می بینید که حسابرسی به طور عمده در کشورهایی توسعه پیدا کرده و نظریه پردازی شده که در آن کشورها مسئله جامعه مدنی و دموکراسی مطرح بوده است. در کشوری مانند اتحاد شوروی و بلوک شرق به رغم پیشرفت های تکنولوژیک، فنی و علمی، در زمینه حسابرسی پیشرفتی نداشته اند و هیچ گونه نظریه پردازی هم نشده است. علتش این نیست که آنها از نظر علمی در این زمینه ها ناتوان بودند، بیشتر این است که نیازی به آن نداشتند. در یک جامعه منقبض، بسته و مسدود، اساساً پاسخگویی معنایی ندارد که روی آن کار بکنند. بنابراین، از این چارچوب، حسابداری عمومی یا همان حسابرسی می تواند به کنترل اجتماعی، عدالت اجتماعی و تعمیق جامعه مدنی کمک کند.

✓ زندی

دقیقاً من هم با نظر آقای محامی موافقم که حرفه حسابداری در جوامعی که موضوع پاسخگویی مدیران به ذینفعان، یعنی استفاده کنندگان از صورتهای مالی، چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی با سازوکارهای قانونی که در این زمینه ایجاد شده، نسبت به جوامع بسته که حتی در مواردی دسترسی به آمارهای اقتصادی نیز برای همه امکان پذیر نمی باشد، پیشرفت بیشتری داشته است. بنابراین به نظر من چون در جوامع دموکراتیک مدیران در مورد فعالیتهای بنگاههای تحت مدیریت خود موظف به پاسخگویی به تمامی ذینفعان اعم از سهامداران، بانکها، دولت و ... می باشند و این امر مستلزم ارائه اطلاعات جامع و شفاف به آنهاست، لذا حرفه حسابداری نیز در این گونه جوامع

اسکندریاتی :

زمانی که دنیا

درگیر بحران می شود

یکی از متهمینی که

انگشت اتهام

به سمت آنها دراز می شود

حرفه حسابداری است

می گویند

حسابداران کجا بودند



حسابداری ما تدوین نمی شد؛ برای مثال استاندارد حسابداری ۲۹ (فعالیت‌های ساخت املاک) و استاندارد حسابداری ۹ (حسابداری پیمانهای بلندمدت). این دو استاندارد در یک تحلیل غیرحسابداری، در یک تحلیل اقتصادی و اجتماعی، بیشتر منافع بخش کوچکی از پیمانکاران و سازندگان و مقاطعه‌کاران را که به‌طور عمده نمایندگان نهادهای عمومی و دولتی و مشابه هستند، دربرمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری کنم جوامع مدنی مستعد گسترش حسابداری هستند و حسابداری در این جوامع مستعد خدمت به منافع عمومی است. در کشور ما هم در دوره اصلاحات است که جامعه حسابداران رسمی ایران با همه محدودیت‌هایش سروشکلی به خودش می‌گیرد ولی بعد از آن بلافاصله دچار محدودیت شدید می‌شود که ما هنوز از آن نتوانسته‌ایم بیرون بیاییم.

✓ زندگی

در جوامعی که موضوع پاسخگویی و تعهد به پاسخگویی وجود دارد حرفه حسابداری می‌تواند بیشتر رشد کند. در جوامع دموکراتیک که مدیران خودشان را موظف به پاسخگویی می‌دانند این حرفه ارتقای بیشتری پیدا می‌کند.

✓ اسکندریاتی

ساختار استانداردهای حسابداری در ایران همانند بقیه کشورها، ساختاری یکپارچه است. ویژگی‌هایی در رویدادها و معاملات

داشته باشد. نظام حسابداری ارتباط بسیار نزدیکی با این نظام اقتصادی دوگانه دارد. زمانی که دنیا درگیر بحران می‌شود، یکی از متهمینی که انگشت اتهام به سمت آنها دراز می‌شود حرفه حسابداری است. می‌گویند: «حسابداران کجا بودند!» این گواهی برای پذیرش مسئولیت نسبت به عموم است و نشانگر اینست که جامعه انتظارات فراوانی از این حرفه دارد و استفاده‌کنندگان باید به کیفیت خدمات پیچیده و ارائه‌شده از سوی حرفه حسابداری، اعتماد داشته باشند.

این ارتباط بسیار نزدیک باعث می‌شود که حرفه حسابداری نقش اجتماعی بالایی داشته باشد و این نقش آنقدر گسترش پیدا کرده که در یک نظام قضایی، در یک دادرسی قضایی هم نظام حسابداری شرکت دارد یا باید داشته باشد. در نظام برنامه‌ریزی نیز بدون اتکا به اطلاعات صحیح حسابداری ادامه کار در اساس امکان‌پذیر نیست. این اهمیت باعث می‌شود که رسالت اجتماعی حسابداران در این حرفه در مقابل اجتماع روزبه‌روز بالاتر رود و هرچقدر این حرفه بتواند به این مسئولیت به‌خوبی پاسخ دهد رسالت خود را بهتر ایفا کرده و ارتقا پیدا کرده است. برعکس، هرچه در پاسخ به انتظارات ناتوانتر باشد، ارزش و منزلت اجتماعی خود را از دست می‌دهد. پس این رابطه متقابل بین این دو مجموعه، هشدار دادن، فراهم کردن مناسب اطلاعات، پاسخگو بودن در مقابل انتظارات، و درضمن رشد مستمر خود حرفه می‌تواند منافع عمومی را بهتر تأمین کند و پاسخ مناسبی برای انتظاراتی به‌حق جامعه باشد. **فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)** لازمه بنانهادن و گسترش یک اقتصاد قدرتمند را تدوین استانداردهایی می‌داند که هدف تقویت حسابرسی و پاسخگویی را سرلوحه خود قرار دهد.

✓ محامی

در زمینه اطلاعات حسابداری آنچه که بسیار اهمیت دارد، کیفیت اطلاعات حسابداری است. در جوامعی که سطح دموکراسی بالاست، خودبه‌خود زمینه لازم برای اطلاعات حسابداری باکیفیت زیاد می‌شود. در غیر این صورت عواملی از قبیل ضعف استقلال، وجود گروه فشار و ... تأثیر خودشان را بر اینکه اطلاعات از کیفیت بیفتد و نتوان براساس آن تصمیم درست گرفت، زیاد می‌شود. اگر شرایط کشور مدنی‌تر از این بود شاید برخی از استانداردهای

به‌عنوان یک مدرک که باید در پرونده اعتبار‌گیرنده گذاشته شود تا بعدها در بازرسها مورد ایراد قرار نگیرد استفاده می‌شود و کسی به محتوای این گزارشها نپرداخته است. به‌نظر من هدف چیز دیگری بوده است. هدف این بوده بانکی که می‌خواهد تسهیلات را بدهد از این گزارش به‌عنوان مبنایی برای اعتبارسنجی و در جهت حفظ منافع بانک که به‌نوعی با منافع عمومی همسو است استفاده شود. این جاست که خدماتی که ما به‌عنوان حسابرس ارائه می‌دهیم در واقع خریدار ندارد. وقتی شما به گزارشهای منتشرشده از سوی سازمان شفاف‌سازی که همه‌ساله منتشر می‌شود مراجعه می‌کنید متأسفانه می‌بینید که ما از نظر شفافیت در بین کشورهای جهان در گروه ده کشور آخر قرار داریم، چرا به این صورت است؟ در چنین شرایطی چقدر می‌توان از حسابرسان در ایفای نقش خود برای شفافیت فعالیتها انتظار داشت؟ اگر ما انتظار داریم که خدمات ارائه‌شده از سوی حسابرسان در جهت منافع عمومی باشد این فرهنگ باید در سطح جامعه و کشور نیز مورد توجه قرار گیرد و دولت‌مردان ما باید به این باور برسند که از این نیروی بالقوه برای دسترسی به اطلاعات درخور اتکا بیشتر و بهتر می‌توانند استفاده کنند.

✓ صفار

مباحثی مانند سوءاستفاده ۳ هزار میلیاردی و یا تغییرات شدید ارز و حدود سه برابر شدن آن که بحران جدی بود، چه نکاتی را مطرح می‌کند و آیا با نقش حسابدار در حفظ منافع عمومی ارتباط دارد؟

✓ محامی

بحران‌های مالی و رسوایی‌های مالی با همدیگر تفاوت ماهوی دارند. بحران‌ها حاصل کارکرد و طبیعت نظام سرمایه‌داری است ولی رسوایی مالی بیشتر حاصل تقلب و حاصل نادرستی در کار است. در کشور ما استفاده از اطلاعات حسابداری برای غیرحسابداران چندان مرسوم نیست یا اگر مرسوم هم باشد هیچ برداشت حرفه‌ای و توأم با تخصص در آن وجود ندارد. همه ما که در مجامع عمومی واحدهای اقتصادی شرکت می‌کنیم می‌بینیم که به جز خود حسابرس‌ها بقیه شرکت‌کننده‌ها آشنایی آن‌چنانی با اطلاعات حسابداری و صورتهای مالی و گزارش حسابرس که

اقتصادی کشور وجود دارد که اهمیت آنها در بقیه کشورها شاید کمتر باشد. مهمترین رسالتی که استانداردگذاران برای خود تعیین می‌کنند این است که بتوانند پاسخ مناسبی برای آن بخش از فعالیت‌هایی که عمدگی دارد پیدا کنند و طراحی‌هایی را انجام دهند که بتواند انتظارات را پاسخ مناسب دهند.

بخشی از فعالیت‌های اقتصادی که در کشور انجام می‌شود مربوط به بخش ساخت املاک است. خوب طبیعی است که مرجع تدوین‌کننده استاندارد برای پاسخ به این مجموعه رویدادهای معاملاتی، باید پاسخی بدهد. این پاسخ تنها راهی نیست که در دنیا انتخاب شده اما راهی است که در اکثریت طرح استانداردهای مربوط به ساخت املاک و همچنین پیمانکاری استفاده شده است.

✓ صفار

آیا بحرانهای مالی در دنیا و شاید در کشور خودمان ربطی به نحوه کار و تعهد حسابدارها داشته است؟

✓ زندگی

من فکر می‌کنم در این زمینه اگر بخواهیم تمام تقصیر را متوجه حسابدارها و حسابرسها کنیم، منصفانه نیست. اگر بخواهیم به بخشی که مسئولیت‌های حسابرسهاست بپردازیم باید به بحرانهایی نگاه بکنیم که در یک مجموعه خاص یا یک بنگاه خاص به‌وجود می‌آید. بله در چنین مواردی، به‌طور طبیعی یکی از متهمین می‌تواند حسابرس باشد که چرا به موارد مهم و بااهمیت توجه نکرده است. در کشور خودمان به نمونه‌هایش هم برخوردیم که اگر حسابرسها به‌موقع توجه می‌کردند شاید به‌وجود نمی‌آمد.

مثالی بزنم؛ در دولت قبلی مصوبه‌ای گذشت به نام آیین‌نامه ضمانت اجرایی حسابرسی که بندهای مختلفی دارد. در واقع خواسته این بود که حرفه حسابرسی ارتقا یافته و از آن حمایت شود. یکی از بندهای این مصوبه بانکها را مکلف کرده که اگر اعتبار اعطایی بانک به یک بنگاه اقتصادی از حد معینی بالاتر باشد باید گزارش حسابرسی داشته باشد. در تصمیم‌گیری آن بانک این گزارش حسابرسی چقدر استفاده می‌شود؟ تا آنجایی که تجربه خود من نشان داده در این چند سال اخیر از آن تنها



مقامی:

بحران‌ها حاصل کارکرد و

طبیعت

نظام سرمایه‌داری است

ولی رسوایی مالی

بیشتر حاصل

تقلب و حاصل

نادرستی در کار است

ارزش وقتی که از ارزش ذاتی دور می‌شود، بحران ایجاد می‌شود. همچنین نظارت و مقررات ضعیف زمینه‌ساز بحران است.

بسیاری از شرکت‌های ما که کار هم نمی‌کنند بر اساس ارزش فروش تک‌تک دارایی‌ها، دارایی‌هایشان را تقویم می‌کنند و می‌گویند که شرکت این قدر می‌ارزد. از دارایی‌ها برای دستیابی به جمع ارزش شرکت نمی‌توان استفاده کرد و جمع جبری ارزش دارایی‌ها توجیه‌کننده ارزش شرکت نیست. ارزش دارایی اسقاط با دارایی متروکه و دارایی عملیاتی و در حال استفاده متفاوتند.

در زمان تورم، ارزش‌های تاریخی و دفتری اصلاً بی‌معناست، اصلاً حسابداری بی‌معناست، اصلاً استفاده از این اطلاعات بی‌معناست. در نتیجه باید ببینیم که حرفه حسابداری در وضع این مقررات و در رسیدن به تئوری‌های ارزش چه نقشی دارد. به نظر من می‌تواند نقش بزرگی داشته باشد.

حرفه حسابداری در ایران در نقد تئوری‌های ارزش، در محیط کسب‌وکار و اعمال تئوری‌های ارزش صدای بزرگی نداشته است؛ چه در خصوصی‌سازی چه در زمینه‌های دیگر. جای دیگری که حرفه می‌تواند مستقیم در آن نقش داشته باشد مسئله نظارت است. مقررات، ارزش‌گذاری، و نظارت سه مقوله‌ای است که زیرمجموعه هم به حساب می‌آیند.

اما در ارتباط با رسوایی‌های مالی، تا آنجایی که من می‌توانم حدس و گمان داشته باشم حرفه حسابداری ایران در رسوایی‌های مالی عمومی شده تقریباً هیچ نقشی نداشته است. در بحث فساد جلوی یک چیز را نمی‌شود گرفت و آن هم تبانی است. هر جا

براساس آن بتوانند تصمیم‌گیری اقتصادی یا مدیریتی بکنند، یا رهنمود بدهند ندارند. بعضی وقت‌ها من به این نتیجه می‌رسم که برای مثال حسابرس‌ها صورت‌گردش و جوه نقد را برای هم تهیه می‌کنند یا می‌خواهند مهارتشان را آزمایش بکنند.

وقتی به گزارش‌های حسابرسی نگاه می‌کنید به‌طور گسترده می‌بینید بندهای مشروط ما خیلی زیاد است. این نشان می‌دهد که گزارشگری مالی در ایران خیلی به استانداردهای حسابداری توجه ندارد. در اساس مدیران و صاحبان شرکت‌ها نه حساسیتی به این قضیه دارند و نه می‌خواهند از آن استفاده بکنند.

در کشور ما این طور نیست که اگر حسابدارها جدی‌تر از این می‌بودند، این رسوایی‌ها به‌وجود نمی‌آمد. من فکر می‌کنم که سهم ما در این زمینه بسیار کمتر از سهم کشورهای توسعه‌یافته غرب است که حسابداران و حسابرسان با ایفا نکردن تعهد حرفه خود باعث رسوایی‌های مالی می‌شوند.

✓ دکتر عزیزی

بحران‌های مالی ریشه‌اش به ثبات و سلامتی بخش مالی و اقتصاد بازمی‌گردد. ذاتی بازارهای مالی بحران‌هاست؛ بشر هر کاری هم بکند نمی‌تواند از این بحران‌ها نجات پیدا بکند. مثال می‌زنم؛ در یک بانک اهرم مالی چقدر می‌تواند باشد. سطوح بالاتر نسبت اهرمی و گردش نقدینگی و مسئله استانداردهای نقدینگی به‌شدت تمام سیستم را در معرض بحران قرار می‌دهد. بحرانها ذاتی نسبت اهرمی و پدیده پول و اعتبار است و این را باید دید که مسئولش چه کسی است.

سرمایه‌داری از این مجرا همیشه دچار بحران خواهد بود و هیچگاه بحران‌ها خاتمه پیدا نخواهد کرد. سرمایه حرص و آزی با خودش می‌آورد که به ریسک طلبکار می‌خواهد بدهکار باشد و با کمترین سرمایه بیشترین گردش مالی را داشته باشد یا اینکه جوامع را به افزایش سطح رفاه به‌شکل سریع معتاد می‌کند. در سطح کلان و معمولی هر چه سیستم مالی بی‌ثبات‌تر و هر چه ناسالم‌تر، بحران‌ها وسیع‌تر!

اگر بخواهیم سه مورد را مسئول این بحران‌ها معرفی کنیم یکی مقررات، یکی نظارت و دیگری مقوله‌ای به نام ارزش است که می‌تواند در هر دوی اینها و یا جدای از آنها هم باشد. وقتی که در بازار حباب ایجاد می‌کنید بحران در بازار ایجاد می‌شود.

نمی‌شود چطور سوءاستفاده ۳ هزار میلیارد تومانی پیش می‌آید؟ این تبانی است که زمینه را هموار می‌کند. ولی بالأخره کسانی در این داستان هم در خارج از جامعه حسابداران و هم در داخل آن تویخ و تنبیه شدند.

✓ اسکندریبانی

این بحث از دو زاویه قابل تحلیل است: اول اینکه در مورد بحران‌ها نقش حرفه حسابداری این است که هشدار بدهد؛ دوم اینکه بعد از بروز بحران حرفه حسابداری و حسابرسی در مقابل آن چه واکنشی باید نشان دهد. در امریکا، بعد از بحران سال ۲۰۰۲ قانون ساربینز اکسلی شکل گرفت. در چین، تشکیلات نظارت بر حرفه حسابرسی ایجاد شد. در انگلستان، با ایجاد تشکیلاتی که بر کل فعالیت‌های حسابداری و حسابرسی حاکم بود نظارت ایجاد شد. در امریکا، مداخله دولت در فرایند استانداردگذاری و نظارت بر حرفه حسابداری و حسابرسی شکل گرفت. می‌شود مثال‌ها را باز هم گسترش داد.

اما در کشور ما بعد از بحران چه واکنشی نشان دادیم. شاید مسئول‌ترین افراد در جامعه به دنبال مقصرینی بودند که به‌طور معمول هیچ‌وقت پیدا نشدند. در بدترین شرایط برای مثال وقتی که بورس دچار سقوط شد انگشت اتهام به سمت بی‌گناهترین افراد دراز شد. بعد از برملا شدن سوءاستفاده ۳ هزار میلیارد تومانی دو موضوع طرح شد: اول؛ آیا کسی به‌موقع هشدار داده بود که این بحران بالقوه ممکن است ایجاد شود؛ و دوم چه کسانی در فرایند شکل‌گیری این موضوع نقش داشتند. قوه قضاییه رسیدگی‌های خودش را انجام داد و احکامش هم صادر شد. اما نکته این است چه تضمینی وجود دارد در آینده یک ۳ هزار میلیارد دیگر ایجاد نشود.

حرفه حسابداری و حسابرسی از این رسواییها چه چیزی را فرا گرفته است. اینکه ما بگوییم که ما صاحب حرفه‌ای هستیم که اینگونه تفاخر دارد به‌نظر من خیلی سودمند نیست. برای دیگران مهم اینست که این حرفه چه خدمت منحصر به‌فردی را می‌تواند به آنها ارائه بکند. اگر نظام مالیاتی به حرفه حسابداری و حسابرسی خیلی با اعتماد نگاه نمی‌کند، شاید این موضوع در جای خود قابل بررسی باشد.

آنچه که باید به آن توجه کنیم اینست که اهمیت استراتژیک نقش مدیرمالی در یک واحد تجاری را کسی باور ندارد. نظام

که تبانی شود کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. تا آنجایی که دورادور اطلاع دارم رسوایی ۳ هزار میلیارد تومانی هم همین بوده است؛ بین تعدادی تبانی بوده است. امکان دارد که در یک سطحی سهل‌انگاریهایی در سیستم حسابداری یا استفاده از سیستم‌های حسابداری و به‌اصطلاح نبود فرهنگ و استفاده برخی از اطلاعات مالی هم وجود داشته و در سطح مذکور در رسوایی‌های مالی، سیستم‌های حسابداری سهمیم بوده است.

حرفه برای اینکه در حفظ منافع عمومی نقش بازی کند، جاهت می‌خواهد، اعتبار می‌خواهد. حرفه این اعتبار را باید به‌دست بیاورد و در یک حدی هم باید آن اعتبار را به حرفه اعطا کرد و برایش قائل بود. در جامعه‌ای که برای کسانی که وظیفه‌شان تولید و بررسی و تحلیل اطلاعات است اعتماد و اعتبار قائل نیست و می‌بینیم که به‌روشنی و صراحت مدیران ارشد در دستگاه‌های بزرگ که به‌طور عمده دولتی و عمومی هستند، حسابداران و امور مالی را مانع می‌دانند؛ خوب اینها نمی‌توانند وظیفه‌شان را انجام بدهند.

به‌نظر من مشکلات بسیار بزرگتر از مشکلاتی که خود حسابداران و جامعه حسابداران در درونش دارد در بیرون نسبت به این حرفه وجود دارد. در بنگاه‌های اقتصادی و در دنیایی که شخصیت حقوقی را ابداع نمودند و بنگاه و شرکت را درست کردند، حسابدار مغز این پدیده است، مدیران مالی برنامه‌ریزان این پدیده‌اند و مسئول رشد این پدیده هستند. در صورتی که اصلاً چنین نقشی برای مدیر مالی در مؤسسه‌های خودمان قائل نیستیم.

رسوایی‌های مالی که در کشور داشتیم به‌طور عمده محصول تبانی بوده و اگر هم در جاهایی کوتاهی‌هایی در سیستم‌های حسابداری حسابداران نقشی داشتند، شاید به‌دلیل سرکوبی است که حسابداران شدند. گرچه حرفه حسابداری و حسابرسی هم خارج از این جامعه نیست ولی برای سلامت و شرافت جامعه این حرفه بیشتر از دیگران زحمت می‌کشد و البته این هم به این معنا نیست که مشکلی در حرفه وجود ندارد.

✓ صفار

کسی می‌خواست ۵ میلیون تومان وام بگیرد گفتند که دو تا قسط اتموبیلی که داشته‌اید پرداخت نکرده‌اید. در سیستمی که به‌خاطر دو قسط پرداخت نشده وام تصویب



صفار:

آیا بحرانهای مالی در دنیا و شاید در کشور خودمان

ربطی به

نحوه کار و

تعهد حسابدارها

داشته است

✓ محامی

جامعه حسابداران رسمی ایران باید بتواند شرایطی فراهم کند که حسابداران رسمی وظیفه خودشان را به خوبی انجام دهند. جامعه حسابداران رسمی ایران الان یک تشکل حرفه‌ای است. زمانی می‌تواند تأثیرگذار باشد که از یک تشکل حرفه‌ای به یک سرمایه اجتماعی ارتقا پیدا کند؛ مانند کانون وکلا، مثل جوامع حرفه‌ای غرب. یعنی از مرز فعلی که پذیرش قانونی است فراتر رود و به پذیرش عمومی برسد.

پذیرش عمومی هم به این معنا است که عموم مردم و جامعه استفاده‌کننده از خدمات حرفه‌ای به این نتیجه برسند که حرفه حسابرسی، حرفه‌ای لازم و مفید برای جامعه است؛ بنابراین از گسترش آن حمایت می‌کنند. حرفه حسابرسی دو بخش دارد؛ یکی اعضای حرفه و یکی تشکیلات حرفه. تا هنگامی که اعضای حرفه به‌طور جدی به مبانی اخلاقی که به‌طور عمده درستکاری است پایبند نباشند این حرفه اگر بهترین قوانین حمایتی را هم برایش بگذارید قابل رشد نیست.

حرفه حسابرسی حرفه‌ای است به‌شدت متکی به رفتار؛ یعنی می‌توانیم بگوییم حرفه اخلاق محور و رفتاربنیان است. اگر شرایطی وجود نداشته باشد که اخلاق و درستکاری در این حرفه رعایت بشود این حرفه اصلاً قادر نخواهد بود به هدفهای خودش برسد. الان وضعیتی در حرفه حسابرسی یعنی در جامعه حسابرسی ایران وجود دارد که متأسفانه اجازه نمی‌دهد خیلی زیاد به آینده جامعه حرفه‌ای حسابرسی ایران خوش بین باشیم.

مالی ما به‌طور عمده از حد دفترداری پا پیش نگذاشته است. برای عرضه قابلیت‌های حرفه حسابداری و حسابرسی به‌طور واقعی به کاربران چه فعالیت وسیعی انجام شده است؟

✓ دکتر عزیزی

به‌نظر من اگر یک عامل را بخواهیم مسئول این رسوایی ۳هزار میلیاردی بدانیم مقررات است. پدیده‌ای را معرفی کردند به اسم اعتبار اسنادی ریالی که ابزار نامناسبی بود و نقش مهمی در این سوءاستفاده داشت. حالا غیر از تبنانی اگر ابزاری معرفی کردید و محیطی درست کردید که به‌راحتی زمینه ضعف سیستم‌ها و بروز خلاف را آماده کند، این به حسابدارها چه ارتباطی دارد. چرا باید تقصیر را به گردن سیستم حسابداری و حسابداران انداخت.

✓ اسکندریاتی

فرض کنید که یک انبار گاه داشته باشید، یک ظرف بنزین، و یک کبریت. با وجود اینها خودبه‌خود حریق اتفاق نمی‌افتد. حریق فقط در شرایطی استثنایی اتفاق می‌افتد. مقررات ناکارآمد مطالعه‌نشده مانند ظرف بنزین عمل می‌کند، تبنانی هم مثل آن کبریت است، منابع مالی هم مانند آن گاه است. این مثلث تا زمانی که وجود داشته باشد باز هم حریق شکل نمی‌گیرد. عاملی دیگری است که آتش افروز است، عاملی که سوءاستفاده ۳هزار میلیارد و امثال آن را ایجاد می‌کند.

من فکر می‌کنم اگر بتوانیم مبانی رویدادهای مشابه ۳هزار میلیاردی را بشناسیم و بتوانیم حساب‌رسان و حسابداران را نسبت به آن آگاه بکنیم، می‌توانیم از موارد مشابه پیشگیری کنیم. چند بار باید در روزنامه بخوانیم که در شبکه بانکی، در فلان بانک، گروهی با زدو بند، با سوءاستفاده از نارسایی‌های سیستم، از طریق آگاهی از مقررات، سوءاستفاده‌ای انجام داده‌اند؟ ما علل بروز این سوءجراینها را به‌طور کارآمد به حرفه آموزش نداده‌ایم. به امید روزی که این حرفه بیاموزد چگونه می‌تواند از نارساییهای گذشته پند بگیرد تا از تکرار خارج شویم.

✓ صفار

جامعه حسابداران رسمی ایران چگونه می‌تواند به حرفه در انجام وظایف و تعهداتش در قبال منافع عمومی کمک کند؟



زندگی:

متأسفانه به نظر من

در حال حاضر یکی از

اشکالهای اساسی که در

نظام آموزشی

در رشته حسابداری

وجود دارد

توجه صرف به

افزایش کمیت

در این رشته است

کانون حسابداران رسمی وجود داشت که تعداد اعضای آن بسیار محدود بود. کار حسابرسی شرکت‌های خارجی را مؤسسه‌های حسابرسی چندملیتی انجام می‌دادند و یک شرکت حسابرسی دولتی هم وجود داشت که براساس قانون برنامه و بودجه، حسابرسی شرکت‌های دولتی را انجام می‌داد. در آن زمان هیچ استانداردی برای کار حسابرسی و حسابداری نداشتیم و بیشتر به رویه‌هایی استناد می‌شد که از مؤسسه‌های بین‌المللی می‌گرفتیم. در مقایسه با ۴۰ سال قبل، اکنون حرفه حسابرسی پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشته است. الان ما به منابعی دسترسی داریم که در سطح جهانی به‌کار گرفته می‌شود. البته در این زمینه بیشتر زحمات به‌عهده سازمان حسابرسی بوده است. در حال حاضر بحثی که در سطح کشور و جامعه حرفه‌ای مطرح است رفتن به سوی استانداردهای بین‌المللی است. خوب این کار کوچکی نیست. در حال حاضر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس موظف شده‌اند کمیته حسابرسی داشته باشند. آیا تاکنون بازخورد نتایج فعالیت این کمیته‌ها از زمان تشکیل مورد ارزیابی قرار گرفته است؟ واقعاً ما به اطلاعاتی دسترسی نداریم که بدانیم از زمان تشکیل این کمیته‌ها عملکرد آنها در وظایفی که به‌عهده داشته‌اند تا چه میزان موفقیت‌آمیز بوده، و تا چه حد کمیته‌ها در ایفای فعالیت خود توانسته‌اند استقلال لازمشان را از هیئت‌مدیره شرکت‌ها حفظ کنند. به‌طور حتم استفاده از تجربه‌های دیگر

جامعه حسابداران رسمی ایران در بخش پذیرش و انتخاب حسابداران رسمی، هیچ اختیاری از خودش ندارد. در واقع حسابداران رسمی از بیرون سیستم انتخاب می‌شوند. در زمینه کنترل حرفه‌ای اعضا، مقررات دست‌وپاگیر و تشریفات مفصل، زمان‌بر و سخت اداری وجود دارد و بخش درخور توجهی از اعضای آن متأسفانه خیلی متأثر از محدودیت‌های رفتاری و اخلاقی ذاتی حرفه نیستند.

سرمایه اجتماعی یعنی ماهیتی که یک تشکیلات کسب می‌کند و به‌لحاظ آن ماهیت مورد اعتماد عموم قرار می‌گیرد و در نتیجه می‌تواند تغییرهایی را به‌وجود بیاورد؛ مثل کانون وکلا. امروز کسی نیست که فرایند قضایی در کشور را بدون کانون وکلا تصور کند. ولی می‌شود همه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری را بدون وجود گزارش حسابرس و صورتهای مالی استاندارد به‌راحتی تصور کرد و در سطح کلان اساساً چنین نقشی برای گزارشگری مالی قائل نیستند.

جامعه حسابرسی ایران به یک آسیب‌شناسی کامل نیاز دارد. نیاز به یک مبانی نظری دارد که آن را از شکل حرفه‌ای به سرمایه اجتماعی جابه‌جا کند. براساس آن مبانی نظری اساسنامه‌اش تنظیم شود. الان اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران بر مبنای ذهنیت افراد خاصی تدوین شده است. شما این ذهنیت را به‌راحتی از اول تا آخر اساسنامه می‌بینید. بدون مبانی نظری شما قادر نیستید به توسعه برسید. برای جامعه حرفه‌ای ایران هم همین‌طور است. پس برای اینکه جامعه حسابداران رسمی بتواند در خدمت منافع عمومی باشد باید بتواند از مرحله پذیرش قانونی عبور کرده و به مرحله پذیرش عمومی و ارتقا از یک شکل حرفه‌ای به سرمایه اجتماعی برسد تا مثل جوامع حرفه‌ای غرب منشاء خدمات اجتماعی گسترده باشد.

✓ صفار

حالا مستقل از جامعه حسابداران رسمی، در طول ۵۰ سالی که حرفه حسابرسی مستقل در ایران وجود داشته روند کیفیت کار چگونه بوده است؟

✓ زندگی

تا پیش از انقلاب بحث حسابرسی خیلی اشاعه پیدا نکرده بود.

انتظارهای کاربران و تأمین نیروهای مناسب برای انجام کار است.

✓ محامی

وقتی درباره منافع عمومی صحبت می‌کنیم با تجربه و با دانش حسابرسی به تنهایی نمی‌توانیم به خوبی مفاهیم را روشن کنیم و نیاز به دانشی فراتر از حسابرسی داریم و باید از اقتصاد، جامعه‌شناسی، حتی فلسفه کمک بگیریم.

اگر بخواهیم درباره آینده حسابرسی صحبت کنیم، آینده حسابرسی چیزی نیست جز انجام آن وظایفی که از طرف اجتماع به عهده دارد. اگر نتوانیم انتظارهای جامعه از حرفه حسابرسی را برآورده کنیم حسابرسی ایران پیشرفتی نخواهد داشت. برای این کار لازم است تغییرهایی به وجود بیاید؛ هم در درون جامعه حسابداران و هم در بیرون آن.

درون جامعه حسابداران نیاز به قوانین و مقرراتی داریم که با قانون طبیعی حسابرسی هماهنگ باشیم نه با ذهنیت افرادی که به مراجع تصمیم‌گیری نزدیک‌ترند. جامعه گرفتار جزئیاتی است که توضیحی برایش نداریم. گوهر و ذات حرفه حسابرسی، درستکاری است. درستکاری به معنی عام آن یعنی شامل استقلال و صداقت و بیطرفی و ... گسترش دانش و تخصص و مهارت حسابرسی فقط با رعایت درستکاری می‌تواند به حرفه برای خدمت به منافع عمومی کمک کند بنابراین حساسیت نسبت به درستکاری حسابداران باید در مرکز توجهات به حرفه باشد.

✓ صفار

مطلب بعدی در رابطه با بحث آموزش است. به طور طبیعی پاسخگویی به منافع عمومی در گرو آموزش حرفه‌ای نظری مناسب است. جامعه حسابداران و دیگر مراجع حرفه‌ای و دانشگاهی در ارتقای آموزش حسابداران تا چه اندازه موفق عمل کرده‌اند؟

✓ اسکندریاتی

آموزش نقش اساسی دارد. هرچه نظام آموزش عالی ما سازمان‌یافته‌تر باشد نیروهای خروجی مجموعه‌ها مؤثرترند. اما اگر برنامه‌های آموزشی نظام آموزش عالی را مرور کنیم در بهترین حالت چقدر نیازهای امروز حرفه را تأمین می‌کند؟

کشورهای پیشرو در زمینه حرفه حسابداری و حسابرسی مفید است اما این موضوع نباید تنها در شکل استفاده محدود شود. بدیهی است این‌گونه اقدامها تا زمانی که به صورت شکلی باقی بمانند و به محتوای آنها توجه نشود نتیجه‌ای جز صرف هزینه، که آن هم منجر به ایجاد ارزش در بنگاهها نمی‌شود چیزی به همراه نخواهند داشت.

✓ صفار

البته این پیشرفت جدی است. ولی آیا این پیشرفت در جهت منافع عمومی بوده است؟

✓ اسکندریاتی

در سالهای گذشته حرفه رشد زیادی کرده است و مهمترین تغییر این بوده که توانستیم با تدوین استانداردهای لازم معیارهای انجام مناسب کارها را داشته باشیم. اما اگر معیار رشد را بهبود در کیفیت حسابرسی و کیفیت ارائه خدمات مالی بدانیم و اگر این را به عنوان یک راه برای رسیدن به آن مطلوب ارتقای جامعه بدانیم، پرسش این است که چقدر در این جهت حرکت کرده‌ایم. از آنجایی که حرفه حسابداری بی‌واسطه با منافع عمومی سروکار دارد در این بعد شاید پیشرفت‌های درخور ملاحظه‌ای نداشته‌ایم. برای اینکه کیفیت کار حسابرسی به عوامل گوناگونی مرتبط است؛ به نیروی انسانی، به آگاهی‌ها، به نوع انجام کار، به نظم و دیسیپلینی که بر کار حاکم است، و به عوامل گوناگون. یکی از مهمترین آنها رعایت اخلاق حرفه‌ای است. استاندارد لازم هست اما کافی نیست. بحث اینست که استاندارد را با چه مجموعه‌ای، با چه شرایطی می‌خواهیم به کار بگیریم.

امروز تقریباً بخش درخور توجهی از کار خصوصی‌سازی تحقق پیدا کرده و بیشتر از تعداد کارهایی که سازمان حسابرسی، حسابرسی می‌کند توسط مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه، حسابرسی می‌شود. اما خود این مجموعه نسبت به آن بخشی که به طور بالقوه باید حسابرسی شود فاصله درخور توجهی دارد. اگر بخواهیم این فاصله را پر کنیم آیا جامعه حسابداران رسمی ظرفیت آن را دارد؛ و بر فرض پاسخ مثبت با کدام کیفیت. رشد حرفه در گرو بهبود کیفیت حسابرسی است و این خود در گرو عوامل گوناگونی است. یکی از مهمترین عوامل برآورد کردن

قادر خواهند بود کمبودهای لازم را در این زمینه مشخص کنند. متأسفانه به نظر من در حال حاضر یکی از اشکالهای اساسی که در نظام آموزشی در رشته حسابداری وجود دارد توجه صرف به افزایش کمیت در این رشته است. تا آنجا که در برخی از سخنرانها و سمینارها هم به این نکته اشاره می‌شود که رشته حسابداری دارای بیشترین دانشجویان است. اما وقتی ما از لحاظ کیفی به خروجی این تعداد، به خصوص در سطح کارشناسی برخورد می‌کنیم با افرادی مواجه می‌شویم که در به‌کارگیری آموزشهای خود در عمل و حتی از ابتدایی‌ترین مفاهیم حسابداری نیز آگاهی ندارند و اگر آگاهی هم داشته باشند نحوه و کاربرد آن را در عمل نمی‌دانند. به نظر من یکی از مهمترین اشکالها در تربیت نیروی انسانی و در رشته حسابداری دور بودن دانشجویان از کار عملی است. به تجربه ثابت شده آن بخش از دانشجویانی که در طول دوره تحصیل خود کارآموزی داشته و به کار مرتبط با رشته حسابداری مشغول بوده‌اند بعد از فارغ‌التحصیلی بسیار موفق‌تر از کسانی شده‌اند که تجربه‌ای در دوران تحصیل نداشته‌اند.

دکتر عزیزی

برنامه‌های آموزش حرفه‌ای ما در سطح مؤسسه‌های آموزشی و مؤسسه‌های حرفه‌ای پژوهش محور نیست. پژوهش هم برای خودش حکایتی است مثل حکایت‌های دیگر؛ آن را از خارج گرفتیم و آورده‌ایم و می‌خواهیم بی‌محتوا و به‌عنوان مد روز از آن بهره بگیریم.

حرفه حسابداری از کاروان کل جامعه جدا نیست و کم و بیش با همان دشواریهایی روبه‌روست که دامنگیر کل جامعه است. اگر حرفه بخواهد اعتبار پیدا کند و در جهت منافع عمومی حرکت کرده و مشکلات را از پیش رو بردارد، باید به فرایندها تعهد داشته باشد. باید برای آموزش، برای پژوهش، برای اصلاحات فرایند بگذاریم. مسائل را باید از فرایند خودش پیش برد و تعهد به فرایند و اصول مربوط به پژوهش شاید تنها راهی باشد که امور را اصلاح نماید. بعد اگر نتیجه پژوهش به کار گرفته شود، و در پی آن برنامه براساس پژوهش طراحی شود، در نهایت با اجرای آن یک مجرای باز می‌شود. این چیزی است که از دست حرفه و یکایک افراد آن برمی‌آید.

مباحث حسابداری خدمات دادگاهی، استفاده از کامپیوتر در فرایند حسابرسی، خدمات اعتباربخشی نظیر وب‌تراست و سپس تراست و بقیه زمینه‌ها در نظام آموزش عالی ما کجاست؟ متأسفانه باید بگوییم که امروز در بعد آموزشی حسابداری و حسابرسی در مؤسسه‌های آموزشی عالی و دانشگاه‌های ما هنوز استانداردهای حسابداری و استانداردهای حسابرسی یا آیین‌رفتار حرفه‌ای به‌عنوان پایه و شالوده اصلی حسابداری و حسابرسی جایگاهی درخور ندارد. این کمبود خود باعث کاهش کیفیت دانش‌آموختگان دانشگاهی می‌شود.

اما در کنار این نظام آموزشی، نظام پژوهشی نیز به نارسایی‌ها و ضعف‌هایی که در حرفه حسابداری و حسابرسی کشور وجود دارد و باید به آنها توجه شود، نمی‌پردازد. بخشی از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها دربرگیرنده موضوعهایی است که با جامعه و حرفه و محیط‌های اقتصادی ما ارتباط نزدیکی ندارد. متأسفانه هیچکدام از مراجع ذیربط هم از پژوهش‌های مرتبط پشتیبانی نمی‌کنند. یعنی اگر بورس، بیمه مرکزی، بانک مرکزی، جامعه حسابداران رسمی ایران متولی پژوهش باشند می‌توانند در بهبود این روش نقش داشته باشند.

به نظر من این ضعفی که در نظام آموزش و نظام پژوهش وجود دارد یکی از علل اصلی رشد نیافتن آگاهی‌های حسابداری و حسابرسی در کشور است.

✓ زندگی

جامعه حسابداران رسمی، انجمن حسابداران خبره، انجمن حسابداری ایران و انجمن حسابرسان داخلی، همه می‌توانند نقشی سازنده در این زمینه داشته باشند، مشروط بر اینکه برنامه و استراتژی هماهنگی را با یکدیگر در این زمینه تعریف کنند. اگر بین سازمان حسابرسی، بورس اوراق بهادار، جامعه حسابداران رسمی، و انجمنهای حرفه‌ای همکاری منسجمی وجود داشته باشد می‌توان راهکارهای لازم را به برنامه‌ریزان آموزشی کشور پیشنهاد داد. خوشبختانه بخش عمده‌ای از مدرسان و اساتید دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزشی عالی از اعضای همین نهادها تشکیل شده است که این افراد در چارچوب همکاری که بین سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی و دیگر جوامع حرفه‌ای می‌تواند شکل گیرد

عالی خیلی کمتر بود، تعداد و تنوع کتابهای مرجع و آموزش به مراتب محدودتر بود و این مقدار هم مقررات انضباطی نداشتیم. آیا گزارشهای حسابرسی به نظر شما با کیفیت تر و قابل اتکاتر نبودند؟ به عنوان شخصی که به اقتضای مسئولیتش امکان مطالعه صدها گزارش حسابرسی صادر شده از سوی جامعه را دارم خدمتتان عرض می‌کنم که پاسخ این پرسش مثبت است. به نظر من آنچه که باعث کاهش کیفیت، که به خودی خود ناکامی در خدمت به منافع عمومی است، شده چیزی جز کم‌توجهی به مبانی اخلاقی حرفه نیست.

اجازه می‌خواهم این‌طور جمع‌بندی کنم که با گسترش آموزش چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ تنوع، فقط در چارچوب تعهد و التزام اعضای حرفه به مبانی اخلاقی حرفه است که می‌توان موجب تعمیق نقش حرفه در حفاظت از منافع عمومی شد.

✓ صفار

بار دیگر از حضور و مشارکت سازنده شما در این بحث سپاسگزاری می‌کنم. 

✓ محامی

آموزش به خودی خود آنقدر مسئله مهمی است که ضروری است در فرصتی جداگانه و مستقل به آن بپردازیم. اما برداشت من از این پرسش اینست که نقش آموزش با رویکرد حفظ منافع عمومی چیست؟ در این خصوص آقای اسکندر بیاتی و دیگر دوستان مطالب مهمی را مطرح فرمودند. من می‌خواهم به این موضوع از منظر جامعه‌شناسی نگاه کنم.

به‌طور معمول در جامعه‌شناسی عمل یا اقدام که به آن در اصطلاح **تکست (Text)** می‌گویند، در چارچوب نظام ارزشی یا قانونی که اقدام یا عمل در آن چارچوب انجام می‌شود و اصطلاحاً به آن **کانتکست (Context)** می‌گویند، ارزیابی می‌شود. از این دیدگاه یا با این متدولوژی، گسترش دانش و مهارت حسابرسی به عنوان تکست تنها زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که در کانتکست مناسب خود یعنی درستکاری انجام شود، یعنی بدون اصرار بر بنیادهای اخلاقی که حرفه بر آن استوار است آموزش به تنهایی مشکلی را حل نخواهد کرد. برای توضیح این مطلب نگاهی به گذشته نه چندان دور خودمان مفید خواهد بود. در دهه شصت که تعداد حسابرسان دارای مدارک

